

سخن سردبیر

از مستحبات مطبوعاتی است که می‌گویند نشریات باید سرمقاله بخورد و سخن سردبیر داشته باشد و الا که عرض زیادی نیست؛ شاید شما یادتان رفته باشد اما قبل ترها که نشریات به صورت چاپی در دانشکده ها به دست خلق الله می‌رسید؛ خیلی وقتها می‌شد که تیزی لبه کاغذ، دست را بگیرد و درد ریزی خزیده شود زیر پوست نازک انگشت و گاهی این از زخم چاقو هم دردناک تر بود. نگاه نکنید که نسخه مجازی را می‌خوانید؛ قلم اگر از دل برآید، با خواننده همان کاری را می‌کند که نیزه در گودال، که قطعنامه با جوانان دهه شصت، که فرودگاه بغداد با دل یک امت؛ که سقوط هواپیما با دل یک ملت؛ بناست این شماره مرور خاطرات کنیم؟ بله! سپردیم که قلم هارا تیز کنند و از داغهایی که بین همه ما مشترک است بنویسند. طبیعی است که درد را نمی‌توان به نوشتار تبدیل کرد، اما ترجیح دادیم روی بار معنایی کلمات و اتصال قلب‌هایمان با شما حساب کنیم و خودمان، خودمان را روایت کنیم تا جای ردپای روباه روی برف‌های زمستان ۹۸ نشینند.

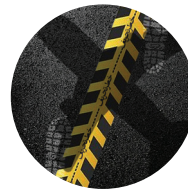
تعابیر وارونه

پرواز شماره ۷۵۲



چمدان دلارها

۲ صفحه



تعابیر وارونه

۲ صفحه



تعطیلات آخر هفته یک رهبر + سلیمانا سلام

۷ صفحه



لطفا به زخم‌ها نمک نزنید!

۶ صفحه



روایت دی ماه پرحادثه

۵ و ۴ صفحه

هشتگ گردی

۹ صفحه

شرط شهید شدن...

۹ و ۸ صفحه



رهبر انقلاب:

امروز به فضل همین شهادت‌ها، و به برکت خون شهدا، ملت ما ملت آبرومندی است.



تعاير هنرمندان



۹۹ مگر قرار بر این نیست که دردها و شادی‌های اهالی یک فرهنگ مشترک باشد و اگر کسی افتخاری کسب کرد همگی به او ببالند و اگر دچار فقدان عزیزی شدند همگی به سوگ بنشینند؟

یک خط زرد کشید میان جمعیت و آن را به دو نیم شکافت؛ بعد پشت کرد به یک سمت و آینه را گرفت جلوی صورت جمعیت روبه رو. تن صدایش را بلندتر کرد و روایتشان را آینه وار برای افراد پشت سرش تحریف کرد! ملت را از وسط قاچ کرد و جواری نشان داد که این سمتی ها همگی طرفدار حاج قاسم و آنور خطی ها غریبه‌اند. میدان انقلاب فرق اینها و خط پروازی اکراین پاتوق آن یکی هاست! مابقی قصه را هم که شنیده‌اید؛ نگویید که باور می‌کنید و دروغ‌ها را می‌پذیرید. کار رسانه‌های ملکه الم کردن همان آینه‌های ترک برداشته است.

خبر سقوط یک فروند هواپیما شوکه‌کننده بود، وطن دوستان که جز آنها هیچ کس در دنیا، مهر خاکش را بر دل ندارد از همان ساعات اولیه یکی پس از دیگری خداحافظی کردند و گفتند دیگر در رسانه‌های این وطن عزیز تر از جان هنری عرضه نمی‌کنند یا در جشنواره‌ها حضور نخواهند داشت. برخی حتی کشور عزیز را هم ترک گفتند. یک لحظه صبر کنید... بیایید فیلم را به عقب برگردانیم؛ وطن چیست؟! چگونه می‌توان آن را تعریف کرد؟ و صفش باید در چه جملات وزینی بیاید تا بتوان به آن بارکدی با شناسه ملی زد؟ مگر قرار بر این نیست که دردها و شادی‌های اهالی یک فرهنگ مشترک باشد و اگر کسی افتخاری کسب کرد همگی به او ببالند و اگر دچار فقدان عزیزی شدند همگی به سوگ بنشینند؟

آیا نیمه شب سیزدهم و هجدهم دی ماه سال گذشته مصداق‌هایی یکسان از غم و اندوه یک ملت برای عزیزانشان نیست؟ چرا آسمان امنیتمان را که زدند دل و زبان فرهیختگان کشور به آه باز نشد و ندیده رد شدند اما آسمان تهران که دچار آن فاجعه دردناک شد همگی اعتصاب کردند؟ کدام قانون نانوشته‌ای می‌گوید سردار سلیمانی برای عده معدودی است و کجا ذکر شده که مسافران هواپیمای کی‌یف عزیزان مردم نبوده‌اند؟ یعنی با پیروی از تجربیات تعصباتی آنها باید تصور کنم کسی که بابت وطنش دست از خود وطن می‌کشد همانی خواهد بود که اگر روزی جنگ بشود اولین نفری است که سرزمین عزیزش را ترک می‌کند؟ و شب‌ها از چشم انداز پنت‌هاوسش به دریای مدیترانه استوری دلتنگی از کشورش را می‌گذارد؟! روشنفکری که می‌گوید جهان وطنی فکر می‌کند ولی درد جوانان نیجریه و هندوستان را نمی‌کشد، چرا حرف از حذف مرز بندی‌ها می‌زند؟ چرا به تبعیت از رسانه‌های منافق مرز می‌کشد میان چشمان مردمی که یک هفته در خیابان‌های شهر می‌باریدند و آسمان ابری را به تحمل سقف سه متر و چهل سانتی خانه‌هایشان ترجیح می‌دادند؟



شهید حاج حسین همدانی: ما بنا به تکلیف رفتیم سوریه، همان تکلیفی که برای دفاع مقدس بود، زمین سوریه با کربلای ۵، مهران، دشت عباس، قصر شیرین با عملیات الی بیت المقدس فرق نمی‌کند.

چمدان دلارها

«خاورمیانه جدید» را تا سال ۲۰۲۰ در منطقه ایجاد کند اما در نهایت این برنامه شکست خورد!

هدف ما در این مخارج و هزینه‌ها حفاظت از کشور خود است، درحالی‌که هدف دشمن نابودی و خلوت کردن میدان برای فعالیت رژیم صهیونیست جهت اشغال سرزمین‌های بیشتر است و در نهایت منفعت جهانی بیشتر! نکته دومی که حائز اهمیت است، بودجه اختصاص یافته به این کمک‌هاست، این هزینه‌ها از بودجه «نظامی» صرف کمک به کشورهای منطقه می‌شود و به کل فارغ از بودجه‌های مربوط به سایر امور داخلی، اقتصادی و معیشتی است. در همین کشور روزگاری بخش اعظم بودجه صرف امور نظامی می‌شد و به سرکوب اعتراضات مردم اختصاص می‌یافت و در عین حال تمامیت ارضی نیز امری بی‌معنی بود، چشم طمع دشمن همواره به جزایر خلیج فارس بود و جزیره بحرین نیز در زمان حکومت پهلوی به



۹۹ «پرداخت ۲۲ میلیون دلار به حماس توسط سردار سلیمانی» موضوعی که به دلیل نبودن روایت درستی از آن در رسانه‌ها همواره باعث سوءاستفاده بدخواهان شده است، اگر از همان ابتدا شفاف و کامل به چرایی حضور ایران در منطقه پاسخ داده می‌شد، اکنون از این روایت‌های وارونه ضربه نمی‌خوریم!

ساده‌ترین شکل ممکن از کشورمان جدا شد! اصلاً از همه این‌ها هم که بگذریم، به نظر شما اگر این هزینه‌ها صرف حفظ کمر بند نظامی و دفاعی ایران در منطقه نشود، آیا همان کسانی که ادعای نه غزه و نه لبنان داشتند، حاضر هستند از مرزهای خودمان در برابر هر تهاجمی دفاع کنند؟

چه کسانی تا به امروز پای کار و مدافع امنیت مردم بودند جز آن‌ها که در حوادث و اتفاقات داخلی مختلف هم آستین بالا زدند و کمر به خدمت محرومان و مردم آسیب‌دیده سیل و زلزله بستند؟ پس از سیل خوزستان در فروردین سال ۱۳۹۸، در حالی که بسیاری از مسئولین مشغول تفریح در ایام تعطیلات نوروزی بودند، حاج قاسم سلیمانی اما باز هم در صحنه بود، حاج قاسم عراق و سوریه، همان حاج قاسم حاضر در میدان جهادی و میان مردم خوزستان بود!

اگر امروز در کشورمان، تورم داریم، فقیر داریم، کارتن خواب داریم و اگر خوزستان هنوز آباد نشده، این ایرادات وارد بر ضعف در مدیریت و اجرای سیاست‌های داخلی و اقتصادی کشورمان است، مشکل امروز ما خلاصاً یا کمبود روحیه جهادی و خستگی ناپذیر است، روحیه‌ای از جنس خدمت به مردم، مثل حاج قاسم...

با فرارسیدن ایام شهادت سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و همراهانشان، یاد این شهدای عزیز با هشتگ‌ها و تصاویر درمیان کاربران فضای مجازی پررنگ‌تر شد. اثر خون شهدا و داغ بزرگی که سرد نمی‌شود باز هم دل‌های مردم را به هم نزدیک‌تر کرد، اما دشمنانی که هراسان از این همدلی میان مردم با نیروی جاذبه خون شهید سلیمانی هستند، درست در همین روزها در رسانه‌ها به موضوعی پرداختند تا ذهن مردم را به سمت اهداف خود برده و باعث دودستگی در میان مردم و باز هم موج سواری رسانه‌ای بر آن شوند: «پرداخت ۲۲ میلیون دلار به حماس توسط سردار سلیمانی» موضوعی که به دلیل نبودن روایت درستی از آن در رسانه‌ها همواره باعث سوءاستفاده بدخواهان شده است، اگر از همان ابتدا شفاف و کامل به چرایی حضور ایران در منطقه پاسخ داده می‌شد، اکنون از این روایت‌های وارونه ضربه نمی‌خوریم!

سؤال این جاست اصلاً چرا

نیروهای نظامی ما در منطقه حضور دارند؟

جالب است بدانید کشورهای محور مقاومت و منطقه برخلاف آن‌چه تصور می‌کنیم و البته تصویر رسانه‌ها بر آن بی‌اثر هم نبوده، قحطی‌زده و ویران نیستند! باید گفت علت این حضور حفظ قدرت و سیاست خارجی ماست، چرا که خاورمیانه و منطقه‌ای که کشورمان در آن واقع شده است، آن‌قدر استراتژیک و حساس است که سالیان سال در آن جنگ و آتش و خون بوده است. هر جای تاریخ و هر دوره و حکومتی را که مطالعه و بررسی کنید، برسر تصاحب این منطقه، جنگ‌های بسیار بوده و دستیابی به این جغرافیای طلایی سال‌هاست آرزوی قدرت‌طلبان جهانی بوده است.

دلیل صرف این هزینه‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها، جنگ‌ها و کثرت حضور پایگاه‌های نظامی کشوری مثل آمریکا در این منطقه نیز حاکی از این ماجراست. اگر ایران کمر بند دفاعی و نظامی خود را خارج از مرز کشور بسته است، به این دلیل است که از هجوم دشمنانی که خارج از مرزها چشم به غارت و تجزیه ایران، به عنوان نقطه هدف اصلی دوخته‌اند جلوگیری کند. علاوه بر آن هزینه حضور نظامی ایران در محور مقاومت، حتی یک هزارم خرج و هزینه‌ی کشورهای استعمارگر و منفعت‌طلب نیست! به گفته‌ی خود ترامپ هفت تریلیون دلار توسط آمریکا هزینه شد تا با جنگ و خونریزی،



استاد علی صفایی حائری: جمعه‌ای که صالح نیست، برفرض که سالم باشد، چه حاصل خواهد داشت؟ تو صالح جامعه را بر سلامت آن مقدم بدار و در کنار هر شغل به این نقش بپرداز: «صالح و مصلح» بودن دو خصوصیت و دو مسئولیت مؤمن است.



رهبر انقلاب: خوشا به حال حاج قاسم که به آرزویش رسید، او شوق شهادت داشت و برای آن اشک می‌ریخت و داغدار رفقای شهیدش بود.

روایت دی ماه پر حادثه



سردار پرافتخار اسلام شهید شد
دیشب ارواح شهدا و ملائک حاج قاسم را در آغوش گرفتند.

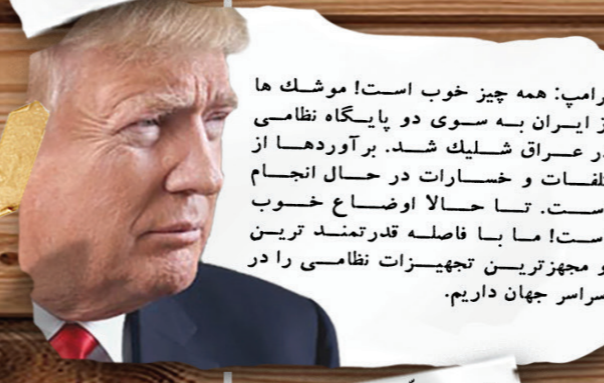
در ۱۸ دی ماه، پایگاه نظامی عین الاسد آمریکا در بغداد مورد اصابت موشک‌های سیاه پاسداران قرار گرفت، به فاصله کوتاهی سقوط هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ خطوط هوایی اکراین از مقصد تهران به کی یف که حامل مسافران داخلی و خارجی بود نیز از سوی رسانه‌ها اعلام شد.



تیترو روزنامه‌ها در تشییع میلیونی شهدای مقاومت در ایران و عراق

آیت الله خامنه‌ای: بحث انتقام چیز دیگری است، حالا یک سیلی به این‌ها زده شده، این مسئله‌ی دیگری است.

حسن روحانی: دست سلیمانی را از بدن قطع کردید پایتان از منطقه قطع خواهد شد.



ترامپ: همه چیز خوب است! موشک‌ها از ایران به سوی دو پایگاه نظامی در عراق شلیک شد. برآوردها از تلفات و خسارات در حال انجام است. تا حالا اوضاع خوب است! ما با فاصله قدرتمندترین و مجهزترین تجهیزات نظامی را در سراسر جهان داریم.

فارسا | KHAMENEI.IR @Khamenei_Ir
بعد از شهادت حاج قاسم، برادرها یک سیلی‌ای به آمریکا زدند. لکن سیلی سختتر از غلبه نرم‌افزاری بر هیمنه پوچ استکیار است. یک سیلی هم اخراج آمریکا از منطقه است که این همت ملت‌های مقاومت را می‌بلبلد. البته #هم_آمر_هم_قاتل بدانند که هر وقت ممکن شد، اینها باید انتقامشان را پس بدهند.

۱۰ دی امسال سخنگوی وزارت خارجه: کمتر از یک ماه دیگر کیفرخواست پرونده افرادی که در این سانحه قصور داشته‌اند نیز صادر می‌شود.



آیت الله خامنه‌ای: خواستار بررسی این موضوع از سوی ستاد کل نیروهای مسلح ایران شد و سفارش به پیگیری کوتاهی‌ها یا تصمیم‌های احتمالی در این حادثه‌ی دردناک کرد.

آن‌هایی که به عدد ۵۲ اشاره می‌کنند بهتر است به عدد ۲۹۰ هم فکر کنند. #IR655
هیچوقت ملت بزرگ ایران را تهدید نکنید.
حسن روحانی @Rouhani_Ir
10:06 am · 03 Jan 20

In the Name of God, the Beneficent, the Merciful
آیت الله خامنه‌ای: انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را به خون او و دیگر شهدای حادثه‌ی دیشب آوردند.
حسن روحانی: بی‌تردید انتقام این جنایت هولناک را ملت بزرگ ایران و دیگر ملت‌های آزاده منطقه، از آمریکای جنایتکار خواهند گرفت.

۳۰ دی
ستاد کل نیروهای مسلح در بیانیه‌ای ضمن عرض تسلیت و اظهار همدردی با خانواده‌های داغدار هم‌وطن و جانباختگان اتباع سایر کشورها و عذرخواهی به خاطر خطای انسانی پیش آمده، اصلاحات اساسی در فرآیندهای عملیاتی در سطح نیروهای مسلح، امکان تکرار این گونه خطاها را غیرممکن ساخته و بلافاصله مقصر آن را به سازمان قضایی نیروهای مسلح معرفی نماید تا با خطاهای صورت گرفته برخورد قانونی صورت گیرد.

۱۴ دی
ترامپ: در صورت اقدام تلافی‌جویانه (انتقام) ترور سردار سلیمانی، از جانب ایران، ایالات متحده علیه ۵۲ هدف، اقدام خواهد کرد و شامل مراکز فرهنگی هم خواهد شد.
Donald J. Trump @realDonaldTrump · 34m
The United States just spent Two Trillion Dollars on Military Equipment. We are the biggest and by far the BEST in the World! If Iran attacks an American Base, or any American, we will be sending some of that brand new beautiful equipment their way...and without hesitation!
10.7K 16.7K 62.8K

ترامپ با باز نشر یکی از اظهارات پیشینش، با هشدار ضمنی نسبت به جنگ ایران با آمریکا، باز هم دعوت به مذاکره را تکرار کرد.

سیدحسن نصرالله در سخنرانی خود در واکنش به ترور شهید سلیمانی از تبعات حضور آمریکایی‌ها در منطقه گفت: وقتی عمودی آمدند و افقی برگشتند خواهند فهمید که منطقه و انتخابات را از دست داده‌اند.

۳۰ دی
تحقیقات تکمیلی برای شناسایی و پیگرد قانونی کلیه علل و مسببین این فاجعه بزرگ و اشتباه نابخشودنی ادامه دارد.





شهید حاج قاسم سلیمانی: امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (ص).

هدیه حسنی
ارتباط تصویری

۹۹ گمانم این حسی مشترک است، آن کس که عزیز از دست می‌دهد خوش ندارد، حتی چهره‌ی قاتل را نظاره کند، چشم در چشم شدن که بماند، هم‌کلام شدن که بماند؛ مبادله و مذاکره که الامان!

شکستن‌ها است. ما جوانان از یک سمت باید پاسدار آن خون‌ها باشیم و از سوی دیگر، تکلیف بر دوش کسانی است که پرچمدار هیبت و قدرت دین و مسلک و کشورمان در مجامع بین‌المللی، در برابر خودی و ناخودی‌ها هستند. فرصتی که این آقایان دارند آنقدر عظیم است که می‌تواند به سهولت نمایانگر اقتدار ملی‌مان بوده و خشم و بغض گلوگیر روزهای نبود عزیزان‌مان را به رخ آنها که باید، بکشاند و دهان یاه‌گویانی که خود اذعان به جنایت کاربودنشان می‌کنند بسته و انتقام‌گیر مسببان قمارباز این داغ باشد.

اما صد امان از روزی که این فرصت، بقچه‌پیچ در گوشه‌ی صندوق‌خانه روز مبادا بماند و به جای کسب آبرو مایه ذلت شود! امان اگر پرچمداران هویت اسلامی ایرانی برای بار دیگر دم از نشستن بر سر میز مذاکره با آن دجالان زمان بزنند. اصلاً تجارب تلخ گذشته از این مذاکرات را که کنار بگذاریم، چه داغ و ننگی از این بالاتر که هم‌صحبت قاتلین عزیزت شوی؟! گمانم این حسی مشترک است، آن کس که عزیز از دست می‌دهد خوش ندارد حتی چهره‌ی قاتل را نظاره کند، چشم در چشم شدن که بماند، هم‌کلام شدن که بماند؛ مبادله و مذاکره که الامان! جنایات‌کارانی که نه کودک‌کشی به حال قلب‌های سنگ شده‌شان توفیری دارد و نه کشتن ناجوانمردانه ژنرال‌های محبوب یک ملت! خدا به دور دارد آن روزی را که اعمال ما جوانان و یا آن آقایان کهنه‌کار، باعث شود که زانم لال جای جلا و شهید عوض شود!



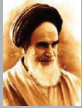
لطفاً به زخم‌ها نمک نزنید!

نخواهیم فهمید چه بر دل آنها گذشت؛ بر خانواده‌ی عزیز سردار ابومهدی، شهید حسین پور جعفری، شهید هادی طارمی، شهید شهروز مظفری نیا. از عمد اسامی تک‌تک‌شان را می‌نویسم تا مباد که لحظه‌ای وجودشان را یادمان برود؛ هرچند فراموش شدنی نیست آن شهیدی که زنده است و نزد معشوقش روزی می‌خورد... به این فکر می‌کردم که ای کاش ما جوانان این مرزهای متنعم به امنیت، آنقدر مفید و موثر عمل کنیم که جای پای فرزندان خمینی را پر کنیم؛ تا وقتی خانواده‌های بزرگوار آن شهیدان می‌نگرند، قدم‌های ما آرام و قرار دلشان باشد. اکنون چیزی که بسیار اشغال‌کننده‌ی ذهن است، همین «ای کاش‌ها» است. همین اضطراب‌قدردان بودن یا نبودن. همین نمک خوردن و خدای نکرده نمکدان

می‌خواهم هرآنچه شد را مرور کنم، شاید گره قلم از نوشتن این روایت سنگین باز شود.

یک‌سال از آن لحظات مملو از حس عمیق و واقعی یتیم شدن گذشت... اما این یک‌سال برای عده‌ای هنوز هم که هنوز است، نگذشته است! در واقع این زمان، یک سال نبود! سیصد و اندی روز بود؛ پانصد و ۲۵ هزار و ۶۰۰ دقیقه بود که بر خانواده‌ی آن پنج شهید گذشت.

نمی‌دانم همسر و دختران سردار دلها این دقایق را چطور تاب آوردند. تازه عروس شهید دهه‌هفتادی‌مان این چندهزار دقیقه را چگونه بدون یارش گذرانده، اصلاً می‌دانی یعنی چه؟ آری شهید وحید زمانی نیا را می‌گوییم، به این راحتی‌ها



امام خمینی (ره):
ما شهادت را یک فوز عظیم می‌دانیم و ملت ما هم شهادت را بهجان و دل قبول می‌کند و از جنگ نخواهیم هراسید و مرد جنگ هستیم، لکن مایل نیستیم به اینکه جنگ واقع بشود.

تعطیلات آخر هفته یک رهبر



انتظار شیرینی بود، هر لحظه که می‌گذشت این لحظات شیرین‌تر و زیباتر می‌شد. مهمانان از حیاط بیت رهبری وارد اتاق جلسات غیر رسمی می‌شدند، باران نهم می‌بارید و پس از چند دقیقه آیت الله خامنه‌ای، رهبر

با تمام تفاسیر این مستند خود گویای ارتباط نزدیک میان سطوح مختلف مردم و نخبگان با شخص اول کشور بود اما باز هم مثل همیشه سوژه داغ رسانه‌های آن طرف آبی شد.

انقلاب، با چتری که در دست داشتند وارد محوطه شده تا به استقبال مهمانان بروند. مهمانان نیز همه منتظر میزبان بودند. میزبانی که خود مشتاق بود تا در زمان‌های خالی روزهای پنجشنبه‌اش با اقدار مختلف جامعه از جمله هنرمندان، شاعران، نویسندگان، نخبگان و... دیدار تازه کند و به پای درد و دل و گلایه آنها بنشیند تا عمیق‌تر از دغدغه‌های آنها با خبر باشد.

اغلب حاضرین انتظار این را نداشتند که در اتاقی ساده و نسبتاً بزرگ با بافتی قدیمی و دلنشین که از معدود تزئیناتش یک طاقچه سبز رنگ بود، با شخص اول مملکت دیدار کنند. گویا ورود رهبری و آن لبخند همیشگی، به اصطلاح خودمان باعث شد یخ حاضرین زودتر آب شود! حتی گاهی برای اینکه مهمانان بتوانند راحت‌تر حرفشان را بگویند و بدون هیچ مانعی انتقاد کنند، با آنها شوخی می‌کردند و این خود باعث از بین رفتن فضای خیلی رسمی نسبت به دیدارهای دیگر می‌شد. بله این یک دیدار غیر رسمی بود! هم بساط ارادت به راه بود و هم انتقادات محفل را گرم می‌کرد. نقدهایی که فراتر از رابطه‌ی مردم و حاکمیتی بوده و حالتی پدر و فرزندی به خود گرفته بود. جوان جهادگری که رهبر انقلاب را مورد انتقاد قرار داد و اعتراضش را صریح گفت که در اداره امور کشور از نیروی جوان استفاده نمی‌شود و نسل جوان انقلاب در این حیطة کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. و یا آن کارگردان سینما که خطاب به رهبری بیان داشت که رهبر و بقیه مسئولان نظام خودشان را در پاسخ دادن درباره اتفاقات روزمره، بی‌نیاز می‌دانند. آیت الله خامنه‌ای اما در جواب تک‌تک این انتقادات یا پیشنهادها، با روی باز و لبخندی اظهار می‌داشتند بنده امروز را شنونده هستم و شما بیشتر از وقت استفاده کنید. فراز اصلی این دیدارها در جواب انتقاد یکی از اهالی سینما بود که می‌گفت هنوز این حس به من القا نشده است که شما تک‌تک مردم را دوست دارید و نسبت به آنها دلسوز هستید. رهبری پاسخ دادند: «من برای همه مردم دعا می‌کنم، دعای سعادت و کامیابی، لیکن برای افراد نزدیک و خاص بیشتر دعا می‌کنم. اما من همه مردم را دوست دارم!

با تمام تفاسیر، این مستند گویای ارتباط نزدیک میان سطوح مختلف مردم و نخبگان با شخص اول کشور بود اما باز هم مثل همیشه سوژه داغ رسانه‌های آن طرف آبی شد. تمام توان آنها روی این است که بگویند این روایات همه در جهت تبلیغات است و چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد! گرچه جز این هم نمی‌توان انتظاری از رسانه‌های زبردست ملکه‌ی مدعی آزادی بیان را داشت. جایی که کسی جرأت انتقاد از دولتیان را ندارد چه برسد به شخص اول کشور. گویا سیاه‌نمایی‌ها برعکس عمل کرد؛ شاهدش کجاست؟ همین هشتگ‌های ترند شده «غیررسمی» که توسط عامه مردم در فضای مجازی دست به دست می‌شود!

سلیمانان سلام...

همه‌ی ما آدم‌ها، فارغ از هر دین و آیینی وقتی کلمه شهید و شهادت را می‌شنویم تحت تاثیر قرار می‌گیریم و برای لحظه‌ای هم که شده به فکر فرو می‌رویم. با خودمان می‌گوییم در این زمانه‌ای که کسی حتی سلام رایگان هم به ما نمی‌دهد، چه انسان‌هایی پیدا می‌شوند؛ چه بزرگ منشانه از جان و دیدن عزیزانشان دست می‌کشند.

اما اگر کمی عمیق‌تر به قضیه نگاه کنیم متوجه می‌شویم که شهیدان هم انسان‌هایی معمولی هستند! آنها هم خانواده دارند، به سر کار می‌روند، خرید می‌کنند و غذا می‌خورند؛ درست مثل تمام انسان‌های دیگر... فقط گذر از این دنیا برای آنها آسانتر است.

شاید برای اینکه سود خودشان بیشتر شود به قرآن و ابوالفضل (ع) قسم نمی‌خورند. شاید در برخورد با آدم‌ها لبخند بر لب دارند و ملاحظت به خرج می‌دهند. شاید به آدم‌ها سخت نمی‌گیرند و بزرگوانه از خطای دیگران چشم‌پوشی می‌کنند. شاید با خدمت به خلق، مهربانی، عشق و با تک‌تک کارهایی که در این روزگار از هم دریغ و به فردایی نامعلوم موکولش می‌کنیم؛ این دنیا را به جای بهتری برای زیستن تبدیل می‌کنند. شهادت پاداش محبت بی چشم داشت به خالق و خلق آن است. خداوند، دلش که برای بندگان خالصش تنگ می‌شود با دستان خود به دنبالشان می‌رود و شهادت را تقدیم آنها می‌کند! کاش در این دنیایی که کسی از لحظه دیگر خودش هم خبر ندارد، شهیدوارانه زندگی کنیم؛ تا بتوانیم سر بلند کنیم و به خوبان جهان سلام و تهنیت بفرستیم:

سلیمانان سلام

ای مرد روزهای ثقیل و سخت

سلام ای مهربان، ای پهلوان، ای قهرمان

سلام بر تو

سلام بر حضرت یارت

همان محبوب، همان مقصود، همان معبود

سلیمانان بیا اینک بگو با ما به معبودت چه ها گفتی؟!

چه کردی فی سبیل الله که در دم آسمانی کردی

آن روح مبارک را

چه گفتی تو به درگاهش، که با

دستان خویش آمد به دنبال...

سلیمانان به آن یارت

همان یار نگهدار

نگهدار دو چشمانت

بگو

سلیمانان دگر از آل پیغمبر برای این

جهان آرد



شرط شهید شدن، شهید بودن است...

۱۳ دی‌ماه، همزمان با اولین سالگرد شهادت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، مصاحبه و گفتگویی به‌صورت زنده (لایو) با سرکار خانم عبد فروتن، همسر شهید مدافع حرم، روح‌الله قربانی داشتیم. مصاحبه این شماره و شماره بعد خط‌کش را میهمان شهید روح‌الله قربانی باشید...

با سلام خدمت شما و عرض تسلیت به مناسبت ایام فاطمیه و سالروز شهادت حاج قاسم سلیمانی و همچنین از دست دادن آیت‌الله مصباح‌یزدی.

سلام. من هم فوت آیت‌الله مصباح، یارِ دیرین حضرت آقا را تسلیت می‌گویم. خبر سنگینی بود که شنیدیم و همین‌طور یک سال هم از شهادت سردار عزیزمان گذشت و واقعا در این یک سال نبود ایشان را احساس کردیم. ان‌شالله که بتوانیم رهرو راهشان باشیم.

لطفا خودتان را معرفی کنید و کمی از خودتان و شهید قربانی و آشنایتان برایمان بگویید.

بنده زینب عبدالفراتین متولد سال ۱۳۷۰ در یک خانواده نظامی، انقلابی و همچنین مذهبی هستم. موقعیت زندگی‌ام طوری بود که چون پدرم پاسدار بودند، تقریباً با شرایط زندگی نظامی آشنا بودم. شهید روح‌الله قربانی متولد اول خرداد ۱۳۶۸ بودند. ایشان هم در یک خانواده نظامی، انقلابی و همچنین مذهبی به دنیا آمده و بزرگ شده بودند. پدرشان از سرداران سپاه قدس و مادرشان فرهنگی و معلم بودند. دیدار و آشنایی ما برمی‌گردد به اینکه آقاروح‌الله در سن ۱۵ سالگی مادرش را از دست می‌دهد؛ ایشان قبل از فوتشان از دوستشان که از اقوام ما بودند درخواست می‌کنند که اگر از دنیا رفتند، برای روح‌الله همانند پسر خود دختری انتخاب کنند. ایشان من را به آقاروح‌الله معرفی می‌کند. جلسه اول که تشریف آوردند اولین بار روح‌الله را دیدم و با هم صحبت کردیم. احساس کردم صداقت در گفتارش و تقوایی که در وصیت‌نامه‌اش هم از آن صحبت کرده را می‌توان در صحبت‌هایش پیدا کرد، خدا خواست و این وصلت جور شد و تیرماه ۹۱ عقد کردیم.

سردار سلیمانی جمله‌ای داشتند که می‌گفتند: «شرط شهید شدن شهید بودن است.» به نظر‌تان شهید قربانی چه ویژگی‌هایی داشتند که مصداق این جمله بود؟

بله این حرف کاملاً درست است، اگر بخواهیم در زندگی همه شهیدان با دقت بنگریم مطمئنم ویژگی‌هایی داشتند که خدا آنان را خریده است. از ویژگی‌هایی که من در چند سال زندگی در کنار شهید دیدم می‌توانم بگویم تلاش بی‌وقفه و همت بلندی بود که در زمینه درسی و کاری‌اش داشت و اینکه هدفش را بدون خستگی دنبال می‌کرد و همه‌ی مشکلات و سختی‌هایی که بعد از فوت مادرش تحمل می‌کرد...

من این را به عینه دیده بودم، واقعا از نماز خواندن روح‌الله حاجت می‌گرفتم، آنقدر زیبا در برابر خدا می‌ایستاد و آنقدر در برابر همه مشکلات فقط خدا را در نظر می‌گرفت که تحسین برانگیز بود. احترام شدیدی به مادر و پدرش می‌گذاشت، البته من در زمان قید حیات مادرش نبودم، ولی وقتی پدرشان بودند من می‌دیدم که با وجود همه اتفاقات و بالا و پایین زندگی لحظه‌ای ناملایمته‌ی نمی‌کرد. اینها شاید نکات کوچکی باشد ولی به نظر من اگر کنار هم قرار بگیرند می‌تواند برای خدا قابل قبول باشد.

حاج قاسم را دیده بودند؟ راجع به ایشان برای شما می‌گفتند؟

اینکه بگویم دیداری داشتند نه؛ دیداری نداشتند اما چون پدر آقاروح‌الله از سرداران نیروی قدس سپاه بودند یک رفاقت دیرینه‌ای با حاج قاسم داشتند. من فقط یک بار یادم هست که سال ۹۳ پدر آقاروح‌الله جایی دعوت شدند که ما را هم با خودشان بردند و در آن مراسم فکر می‌کنم حاج قاسم هم حضور داشتند اما در قسمت مردانه بودند. شاید آنجا باهم دیدار مختصری داشتند. روح‌الله همیشه از دوستی و رفاقت پدرش با سردار صحبت می‌کرد و می‌گفت. البته حاج قاسم هم در سال‌های ۹۲-۹۳ خیلی شناخته شده نبودند و از سال ۹۴ به بعد، بعد از شهادت حرم کم‌کم شناخته شدند. روح‌الله دوست نداشت من وارد جزئیات شغلش شوم، اما می‌دانم که حاج قاسم را خیلی دوست داشت و احترام خاصی برایشان قائل بود و می‌گفت: «باید برای ایشان سربازان خوبی باشیم و درست انجام وظیفه کنیم.»





شهید آوینی:

عالم همه در طواف عشق است و دایره دار این طواف حسین (ع) است.

ادامه مصاحبه:

زهرا عی قزلو
حسینداری

مجازات

#واکسن_بخرید

#واکسن_بسازید



هشتگ گردی

این روزها تب خرید واکسن کرونا بسیار داغتر از گذشته است. گویا شرایط برای افرادی که در پی تصویب هر چه زودتر Fatf هستند، تبدیل به فرصت و بهترین بهانه برای فشار به مجمع تشخیص مصلحت نظام، جهت تصویب آن است. Fatf یا همان گروه ویژه اقدام مالی، یک سازمان بین دولتی است و یکی از وظایف آن بررسی وضعیت مالی کشورها است. در واقع عاملی برای شفاف‌سازی اقتصاد ایران در برابر آمریکا محسوب می‌گردد و اهم فشاری است که راه‌های دور زدن تحریم را بیشتر از پیش بر کشورها می‌بندد.

اخیرا اما در فضای مجازی برخی افراد با راه اندازی هشتگ «واکسن بخرید» از مقامات مسئول درخواست خرید واکسن‌های تولیدی سایر کشورها را داشته و حتی علت عدم خرید را نپیوستن به Fatf دانسته‌اند! درحالی که مانع اصلی، خود تحریم‌های آمریکا است نه راه‌هایی که سبب محکمتر شدن تحریم می‌گردند! عبدالناصر همتی، رئیس بانک مرکزی، اعلام کرد که توانسته‌ایم منابع مالی برای خرید ۱۶/۸ میلیون دوز واکسن را به حساب کارگزار سازمان بهداشت جهانی حواله کنیم و ارتباط Fatf با خرید واکسن را رد کرد.

نکته قابل توجه این است که در برابر جریان تحریم، مجموعه شهید فخری‌زاده هم‌زمان با دیگر قدرتهای جهانی در حوزه ساخت واکسن اقدام کرده و تلاش‌های این شهید و مجموعه آنها به ثمر رسیده و ساخت واکسن کرونا در حال طی مسیر و تحقیقات بالینی و تست انسانی است. طوری که به اعلام یک شبکه چینی، ایران با ساخت واکسن کرونا موجب شگفتی جهان شده و آنچه باعث قدرت پیشرفت ایران است، روحیه ظلم ناپذیری آنهاست.

عده‌ای نیز در مقابل هشتگی جدید مبنی بر ساخت واکسن زده و متذکر شدند که آیا در این شرایط بهتر نیست بیشتر به حمایت از پروژه‌های داخلی ساخت واکسن بپردازیم؟ حال ابهام اینجاست که واقعا بهتر است واکسن بسازیم یا واکسن بخریم؟! آیا می‌توان با توجه به تجربه تلخ خون‌های آلوده به ویروس HIV باز هم به واکسن‌های وارداتی خوش بین بود؟ مجموعا می‌توان چنین نتیجه گرفت که با عنایت به اینکه خرید واکسن اشتباه نیست و ممکن است مفید هم واقع گردد، می‌توان دانش و توان علمی دانشمندان در ساخت واکسن داخلی را باور داشت و روی نمونه وطنی آن اهتمام ورزید. بدین ترتیب می‌توان هم جلوی بروز تجربیات تلخ گذشته را بیش از پیش گرفت و هم با همت جوانان داخلی با هزینه مناسبی از نظر ارزی، به شکوفایی علمی در ساخت واکسنی سازگار رسید.

از حس و حالتان بعد از خبر شهادت همسرتان بگویید؛ شما همان جمله معروف «ما رایت الا جمیعا» حضرت زینب را حس کردید؟ چه چیزی شما را آرام می‌کرد؟

شهادت روح‌الله شوک بزرگی در زندگی‌ام بود. هیچ وقت باورم نمی‌شد روح‌الله شهید شود.



چندباری به شوخی از کنارش رد شده بود اما من همه را به شوخی گرفته بودم. هنوز هم که هنوز است بعد از گذشت شش سال نمی‌خواهم باور کنم. روح‌الله از شهدای اول سال ۹۴ بود که کم‌کم داشتند شهید می‌دادند و این موضوع رسانه‌ای می‌شد. وقتی برای اولین بار از زبان مادرم شنیدم که روح‌الله شهید شده، می‌توانم بگویم برای چند دقیقه نه چیزی را می‌دیدم نه می‌شنیدم. برایم جو سنگین و غیر قابل‌تصور بود. وقتی بالای سر پیکر سوخته روح‌الله قرار گرفتم زانم بند آمد. اما آن لحظه انرژی مثبتی گرفتم و احساس آرامش کردم. به روح‌الله گفتم خیلی زیبا شده‌ای و مثل همیشه مرتب و تمیز هستی. او جوروی شهید شد که مثل حضرت عباس (ع) دستش را قطع کردند. چیزی که آرامم می‌کرد این بود که خودش اینطور دوست داشت... بعد از خاکسپاری و آن اتفاقات، افراد بی‌بصیرتی بودند که بخواهند دل من و خانواده‌ام را بشکنند. اما من و امثال من با خدا معامله کرده‌ایم، باید یا محکم و استوار باشیم و جوابشان را بدهیم یا سکوت کنیم.

در وصیت نامه ایشان می‌خوانیم: «شهادت خوب است اما تقوا بهتر است». از این جمله برایمان بگویید.

آقا روح‌الله از شاگردان حاج آقا مجتبی تهرانی بودند. این جمله را حاج آقا در یکی از جلسات به نقل از حضرت علی (ع) می‌گویند و آقا روح‌الله آن را در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد. آن چیزی که از اعمال آقا روح‌الله می‌توانم بگویم که به این جمله ربط داشته باشد این است که به او می‌گفتم روح‌الله می‌شوی می‌شوی! می‌گفت: «نه حالا حالاها کار داریم...»

نه اینکه دنبال شهادت نبود؛ نه، شهادت را خیلی دوست داشت ولی می‌دانستم وقتی به سوریه می‌رود برای شهادت نیست، می‌رود که باری از دوش بردارد. در خودش می‌دید که مسئولیتی بر دوش دارد و باید برود انجام دهد، مطمئن بودم که این رفتن فقط به خاطر خداست و هدفش شهادت نبود. روح‌الله تک تک لحظاتهش را با خدا بود.

چقدر حضور شهید قربانی را در زندگی خودتان احساس می‌کنید؟

همیشه به آقا روح‌الله می‌گفتم خواب مادرت را می‌بینی؟ می‌گفت: «نه من به سراغ خواب نمی‌روم. مادرم را در سختی و خوشی‌های زندگی حس می‌کنم.» من آن زمان این جمله را درک نمی‌کردم. خوابش را زیاد نمی‌بینم چون خودش هم می‌گفت به سراغ خواب نمی‌رود که به خواب من بیاید، گاهی در زندگی حضور و سنگینی نگاهش را احساس می‌کنم. واقعا شهیدان زنده‌اند و آیه «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا...» واقعیت دارد و خیلی جاها حضورش را احساس کرده‌ام.

حس شما پس از شهادت حاج قاسم چگونه بود؟

شهادت حاج قاسم انگار خیر شهادت دوباره روح‌الله بود. بعد از شهادت آقا روح‌الله چندباری با دختر حاج قاسم صحبت کرده بودیم. زینب خانم همیشه از پدرشان و عنایت و لطفی که ایشان به خانواده شهدا داشتند، می‌گفت... ساعت شش صبح بود که در فضای مجازی خبر شهادت ایشان را دیدم و به خانواده گفتم. باورمان نمی‌شد تا اینکه در زیرنویس تلویزیون دیدیم و باور کردیم. واقعا خبر دردناکی بود... (بخش دوم مصاحبه را در شماره ۳۷ بخوانید...)